

بررسی تطبیقی ابزارهای انسجام در «سوره مزمل» و ترجمه آن از موسوی گرمارودی بر پایه نظریه انسجام متن هلیدی و حسن

عزت ملاابراهیمی* (گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

زهره رضایی (گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

چکیده

انسجام به سازوکار درون‌متنی زبان گفته می‌شود که سخنور را در ایجاد و برقراری ارتباط در هر جمله یا بین جملات یاری می‌دهد؛ به عبارت دیگر، انسجام به روابط ساختاری-واژگانی متن اطلاق می‌شود. در پژوهش حاضر به بررسی انسجام متن بر اساس الگوی هلیدی (۱۹۷۶) و نظریه مکمل حسن (۱۹۸۴) با هدف بررسی میزان هماهنگی انسجام در سوره مبارکه «مزمل» و ترجمه آن از موسوی گرمارودی پرداخته شده است. از نتایج این پژوهش استنباط می‌شود که در این سوره و ترجمه آن، انواع عوامل انسجامی در سطح غیر ساختاری وجود دارد: «انسجام واژگانی» که شامل تکرار، هم‌معنایی، تضاد، شمول معنای، جزء و کل و هم‌چنین عوامل موردی از جمله برابری و نام‌گذاری است و «انسجام دستوری» که شامل انواع ارجاع، جانشینی و حذف است. از رهگذر این پژوهش هم می‌توان به پیوند منسجم میان اجزای سوره و ترجمه متخبط پی برد که هم راهی برای شناخت اعجاز قرآن است و هم از درصد بالای مشابهت متن مقصد با متن مبدأ در نحوه کاربست عوامل انسجام می‌توان دریافت که مترجم در انتقال مفاهیم ترجمه موفق بوده است.

کلیدواژه‌ها: سوره مزمل، موسوی گرمارودی، انسجام واژگانی، انسجام دستوری، نظریه انسجام هلیدی و حسن

* نویسنده مسئول mebrahim@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۶

۱. مقدمه

ساختار و پیوند میان آیات قرآن، از دیرباز مورد توجه قرآن‌پژوهان، اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان، بوده است. نمایش ارتباط میان آیات قرآن کریم منجر به فهم بهتر آیات و درک صحیح موضوعات قرآنی می‌شود؛ چراکه یکی از ویژگی‌های بارز اسلوب قرآن کریم، پراکندگی و تنوع موضوعات در هر سوره است. این اسلوب اعجاز‌آمیز قرآن کریم، دستاویزی برای مستشرقان و منکران قرآن شده تا یکپارچگی آن را زیر سؤال ببرند (خامه‌گر، ۱۳۹۷). از جمله مستشرقانی که این دیدگاه را مطرح کرده‌اند می‌توان به ایگناس گلدزیهر^۱ (۱۸۹۰)، بارتلمه^۲، گوستاو لوبون^۳ (۱۹۶۸)، نولدکه^۴ (۱۹۱۱)، ونز برو^۵ (۱۹۷۷) و ریچارد بل^۶ (۱۹۳۹) اشاره کرد. این در حالی است که مسلمانان از دیرباز -همچون شیخ ابوبکر نیشابوری در قرن چهارم- و حتی مستشرقان در قرن‌های اخیر -از جمله میشل کوپرس^۷ در سال ۱۹۹۴ و نیل رابینسون^۸ در سال ۱۹۹۶- با ارائه نظریه‌های خود به دنبال اثبات انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم بوده‌اند. از جمله این نظریه‌ها، می‌توان به نظریه «زبان‌شناسی نظامی نقش‌گرا»^۹ اشاره کرد. این نظریه، از سوی هلیدی^{۱۰} و حسن در سال ۱۹۷۶ با عنوان «انسجام در زبان انگلیسی»^{۱۱} مطرح شد و سپس توسط برخی قرآن‌پژوهان ایرانی، انسجام متنی سوره‌های قرآن با این رویکرد مورد تحلیل قرار گرفت (خامه‌گر، ۱۳۹۷). علاوه بر جنبه اعجازی و همگانی بودن قرآن کریم، اسناد مستقیم الفاظ آن به ذات مقدس خداوند سبب شده تا ترجمه این کتاب نیز به همان نسبت حائز اهمیت گردد.

1. Ignaz Goldziher
2. Christian Bartholomae
3. Gustave Le Bon
4. Theodor Nöldeke
5. John Wansbrough
6. Richard Bell
7. Michel Cuypers
8. Neal Robinson
9. systemic functional linguistics
10. Halliday
11. cohesion in English

از این رو ترجمه‌های قرآن کریم به شیوه‌های متنوعی مورد ارزیابی قرار گرفتند که برخی از این شیوه‌ها و الگوها بر مبنای الگوهای زبان‌شناسی و معناشناسی می‌باشند (نیازی و هاشمی، ۱۳۹۸).

یکی از ترجمه‌های شیوا و فاخر قرآن کریم که هم آمیخته به زبان کلاسیک و هم زبان معاصر بوده به نحوی که نثر آن، نه قدیمی است و نه به زبان محاوره، می‌توان به ترجمه سید علی موسوی گرمارودی اشاره نمود که در سال ۱۳۸۴ نگارش شده است. وی برای ترجمه قرآن کریم، از بیش از ۶۰ منبع -شامل تفاسیر قرآنی، ترجمه‌ها، کتب و رسایل قرآنی- بهره جسته، به‌علاوه ایرادات و نقدهای پیرامون دیگر ترجمه‌های چاپ‌شده را مطالعه و در ترجمه خود رعایت نموده است. همچنین علاوه بر حفظ امانت و زیبایی قرآن کریم، از جمله ویژگی‌های دیگر این ترجمه می‌توان به همگون ساختن ترجمه لغات و ترکیبات قرآنی و آیاتی که شبیه به یکدیگرند، اشاره نمود (خجندی، ۱۳۸۵).

هدف از نگارش مقاله، ارزیابی این ترجمه بر اساس یکی از الگوهای زبان‌شناسی -نظریه انسجام هیلیدی و حسن- است؛ چراکه تاکنون مطالعه دقیقی در باب انسجام متن ترجمه موسوی گرمارودی صورت نگرفته است. می‌بایست بررسی شود اگر این ترجمه در یک قالب علمی یا به عبارت بهتر در یکی از الگوهای ارزیابی ترجمه مورد مطالعه قرار گیرد، آیا می‌توان میزان موفقیت‌آمیز بودن عملیات ترجمه توسط موسوی گرمارودی در چارچوب این نظریه را اثبات نمود؟ نظریه هیلیدی و حسن که به‌عنوان اصل در این پژوهش قرار گرفته در بسیاری از سوره‌های قرآن پیاده‌سازی شده، از این رو سوره مزمل به‌عنوان متن مبدأ در قرآن کریم و به همین ترتیب در ترجمه آن، انتخاب شد. در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا متن ترجمه‌شده می‌تواند از انسجام معادل متن خود سوره برخوردار باشد؟

۲. پیشینه پژوهش

بر مبنای الگوی انسجام متن بر اساس نظریه هلیدی و حسن، پژوهش‌های قرآنی متعددی صورت گرفته است. از جمله سوره‌هایی که نظریه هلیدی و حسن در آنها پیاده شده است، عبارت‌اند از: «حمد»، «ناس»، «فلق»، «اعلی»، «کوثر»، «زلزال»، «همزه»، «لیل»، «انشراح»، «یس»، «طه»، «صف»، «یوسف»، «نور»، «طارق»، «علق»، «کهف»، «احقاف»، «عنکبوت»، «نوح»، «قمر»، «رحمن»، «واقع»، «اسراء»، «کهف»، «مریم»، «طه»، «بینة»، «نمل»، «فجر»، «انعام»، «هود»، در داستان‌های حضرت موسی (ع) و حضرت ابراهیم (ع) و غیره.

در اغلب تحقیقات مذکور، به صورت کمی و آماری عوامل انسجام در بیشتر سوره‌های قرآن بررسی شده‌اند؛ و توانستند با کمک این نظریه، به وضوح نشان دهند برخلاف پراکندگی موضوعات در یک سوره، هر سوره از انسجام متنی برخوردار است. برخی از نتایج این تحقیقات همچون تحقیق مختاری و خدابخش‌نژاد (۱۳۹۷) در خصوص مقایسه عنصر انسجام و پیوستگی در سوره‌های جزء سی، نشان می‌دهد که عنصر انسجام در برونه متن نقش بارزی در کشف زیبایی‌های نهفته در قرآن ایفا می‌کند ولی عنصر پیوستگی به دلیل حضورش در درونه متن و طولانی شدن زمان ادراک آن نقش برجسته‌ای در ایفای این غرض ندارد.

برخی از تحقیقات به صورت تطبیقی، هم سوره و هم یک ترجمه منتخب را، مورد بررسی قرار داده‌اند، برای نمونه پژوهش نعمتی قزوینی و ایشانی (۱۳۹۴) با روش توصیفی-تحلیلی و آماری، به بررسی کمی و کیفی عوامل انسجام در سوره «اعلی» و ترجمه صفارزاده پرداخته و آشکار نموده که صفارزاده در انتقال مفاهیم آیات سعی داشته از ساختار متن اصلی تبعیت کند و در این امر موفق بوده است. در همین راستا، اورکی و ویسی (۱۳۹۵) ترجمه الهی قمشه‌ای و تفسیر المیزان را معیار قرار داده و عوامل انسجام را در سوره «ناس» بررسی نمودند. آنها بیشترین عامل انسجامی در هر دو متن را، متعلق به انسجام واژگانی یافته‌اند. همچنین نشان داده‌اند با وجود تفاوت‌ها و شباهت‌ها، در کاربست عوامل دستوری و واژگانی، سوره «ناس» و ترجمه آن،

انسجام بسیاری دارند. از سوی دیگر امرایی، رضایی هفتادر و زند و کیلی (۱۳۹۶) در مقاله خود، با مقایسه دو متن مبدأ و مقصد، نشان دادند عوامل انسجام در ترجمه حداد عادل با اختلاف جزئی، هم‌سطح با متن اصلی سوره «علق» است و مترجم در انتقال مفاهیم موفق بوده است. همچنین زند و کیلی و امرایی (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای دیگر، با ملاک قرار دادن ترجمه فولادوند، موفقیت‌آمیز بودن عمل ترجمه را در سوره «طارق» از نظر نحوه کار بست عوامل انسجام در انتقال مفاهیم و معانی به نمایش گذاشتند. یکی از نتایج پژوهش یادشده، بیشتر بودن بسامد دو عامل جانشینی و حذف در انسجام دستوری در متن سوره، نسبت به ترجمه آن است که علت آن را حذف ضمیر در افعال در زبان عربی بیان می‌کند. پژوهش دیگری که برخی از ترجمه‌های قرآن را در چارچوب نظریه هلیدی و حسن به بوته نقد و آزمایش گذاشته، می‌توان به مقاله شاهپری، مهدوی‌نیا و سماواتی (۱۳۹۶) اشاره نمود. در این پژوهش با انتخاب سه مترجم قرآن -جان اربری (مسیحی)، طاهره صفارزاده (شیعه) و عبدالله یوسف‌علی (سنی)- و همچنین انتخاب دو عامل انسجامی ارجاع و تضاد از نظریه انسجام هلیدی و حسن در آیات ۲۱ تا ۳۵ سوره «یوسف»، سعی نمودند تا تفاوت‌های این ترجمه‌ها را بررسی کنند. نتیجه پژوهش آنها حاکی از آن است که ترجمه جان اربری، ترجمه‌ای دقیق‌تر، روان‌تر، فصیح‌تر و کامل‌تر است؛ چراکه به عوامل انسجامی دقت بیشتری داشته است.

همان‌طور که ملاحظه شد پژوهشی حول ترجمه موسوی گرمارودی صورت نگرفته است. از این رو پژوهش حاضر درصدد آن است تا با ملاک قرار دادن این ترجمه، به بررسی عوامل انسجام نظریه هلیدی و حسن با روش تحلیلی-تطبیقی در سوره «مزمل» و ترجمه آن، پردازد.

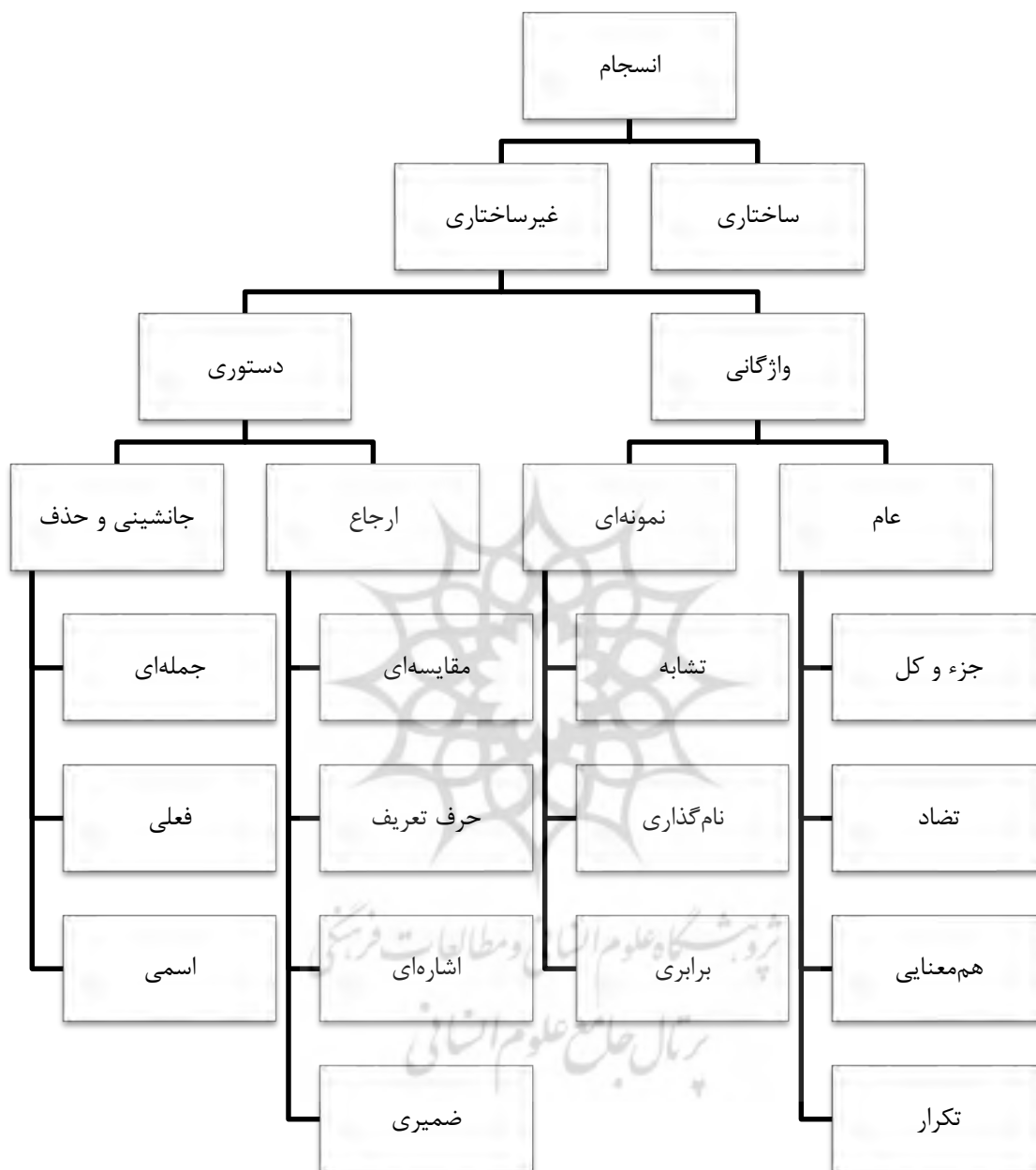
۳. مبانی نظری

هلیدی، در تعریف «متن» را آن را زبانی می‌داند که دارای نقش است. همچنین برای متن هویت معنایی قائل است که این معنا در کلمات و جملات پنهان است؛ برای همین است که متن یکپارچه محسوب می‌شود. نکته دیگر در خصوص متن این

است که برای متن اندازه تعریف نمی‌شود؛ متن می‌تواند متشکل از یک کلمه یا یک عبارت یا یک جمله ساده یا مجموعه‌ای از چندین جمله باشد. از نظر ایشان هر متنی دارای یک بافت است که این بافت متنی، به دو گروه «ساختاری»^۱ و «غیر ساختاری»^۲ تقسیم می‌شود (نمودار ۱). بخش ساختاری که شامل دو ساخت «مبتدا-خبری»^۳ و «اطلاعاتی»^۴ است. بخش غیر ساختاری آن، «انسجام»^۵ است (ایشانی و نعمتی، ۱۳۹۲). هلیدی معتقد است: «انسجام» یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و ابزاری برای تمییز متن از غیر متن محسوب می‌شود (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۴). برای مقایسه تطبیقی میان یک متن و ترجمه آن، بررسی انسجام این دو متن در سطح غیر ساختاری، معیار و ملاک است. (نیازی و قاسمی، ۱۳۹۷ الف). به همین جهت سطح غیر ساختاری، معیار پژوهش حاضر است. در نمودار ۱ عوامل انسجام در متن طبق نظریه هلیدی و حسن نمایش داده شده است.

در بحث ترجمه متون، مترجم یک متن در برگردان متن و انعکاس روابط درونی و برونی، باید به گونه‌ای عمل کند که در بافتار زبان مبدأ و مقصد تغییر یا خللی وارد نشود. به علاوه، تعامل و تأثیرگذاری/تأثیرپذیری متقابل ساختاری واژگان و دیگر عوامل حاکم بر فرآیند سخن جهت اجرای نقش ارتباطی باید در همه مراحل ترجمه مورد توجه قرار گیرد. در واقع انتقال پیام از ذهن «نویسنده» به «متن» و از «متن» به ذهن «مخاطب»، خود دارای فرآیند پیچیده‌ای است که عوامل زیادی بر آن دخالت دارند. حال اگر رکن چهارمی - یعنی «مترجم» - به این فرآیند اضافه شود، قطعاً پیچیدگی‌ها بیشتر شده و عوامل بیشتری می‌تواند مسیر انتقال صحیح پیام را دست‌خوش تغییر قرار دهد (نیازی و قاسمی، ۱۳۹۷ الف). مقوله «انسجام» از مهم‌ترین موضوعات مطرح در این زمینه است.

1. structural
2. non-structural
3. themantic structure
4. information structure
5. cohesion



نمودار ۱. تقسیم‌بندی انسجام از دیدگاه هلیدی و حسن (۱۹۸۵)^۱

۱. (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۷)

۴. تطبیق الگوی انسجام در سوره مزمل و ترجمه آن

از نظر هلیدی، «بخشی از انسجام از طریق «دستور» و بخشی از طریق «واژگان» محقق می‌شود» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۵). در نتیجه همان‌طور که در نمودار ۱ نشان داده شده، دو نوع انسجام غیر ساختاری داریم: «انسجام دستوری»^۱ و «انسجام واژگانی»^۲.

۴. ۱. انسجام دستوری

در انسجام دستوری، برای بررسی چگونگی بازنمایی و همچنین تحقق معانی در صورت زبان، می‌باید به زنجیره کلام توجه نمود. از این‌رو، به منظور نمایان نمودن معانی در زنجیره کلام، معنا به واحدهایی برش خورده و روابط میان واحدهای ایجاد شده، برقرار می‌شود. در چارچوب ارائه شده، به منظور برقراری انسجام معنا و سازمان‌بندی، از عمل واژگان و دستور بهره گرفته خواهد شد (میراحمدی و آقاجانی، ۱۳۹۶). هر یک از عوامل انسجام دستوری نیز خود به عملکرد سازه‌های دستوری زبان مرتبط می‌شود. این عوامل را می‌توان در سه گروه معرفی نمود: «ارجاع»^۳؛ «حذف»^۴؛ «جانشینی»^۵ (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳).

۴. ۱. ۱. ارجاع

هلیدی و حسن (۱۹۷۶) در تعریف «ارجاع» گفته‌اند: «هر واژه غیر صریح، ممکن است پیش یا پس از واحد زبانی بیاید که به آن ارجاع داده می‌شود، یعنی مرجع زبانی آن» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۸). ارجاع از نظر وجود یا عدم وجود کلمه مرجع، به دو دسته تقسیم می‌شود: «ارجاع برون‌متنی»^۶؛ «ارجاع درون‌متنی»^۷. در ارجاع درون‌متنی، مرجع عنصری در درون متن بوده و در ارجاع برون‌متنی، مرجع

1. grammatical Cohesion
2. lexical Cohesion
3. reference
4. ellipsis
5. substitution
6. exophoric reference
7. endophoric reference

خارج از متن و کلام است. تنها ارجاع درون متنی موجب انسجام متن می‌شود؛ چراکه ارجاع برون متنی فقط به تولید متن کمک نموده و باعث ادغام دو متن [متن حاضر و کلمه مرجع خارج از متن] و یکپارچگی این دو نمی‌شود (حمید، ۲۰۰۸). ارجاعات سوره مزمل در جدول ۳ تبیین شده است.

جدول ۱. عامل ارجاع در سوره مزمل و ترجمه گرامردی

مرجع ضمیر	ضمایر در ترجمه گرامردی	ضمایر در سوره مزمل
پیامبر (ص)	«پیا خیز»، «کم کن»، «بیفزای»، «بخوان»، «یاد کن»، «بگسل»، «کارساز خویش باش»، «وابگذار»، «شکیبا باش»، «دوری گزین»، «مهلت بخش».	ضمیر مستتر «أنت» در یازده فعل صیغه امر: «فَم»، «انْقُصْ»، «زِد»، «رَتِّلْ»، «اذْکُرْ»، «تَبَتَّلْ»، «اتَّخِذْ»، «اصْبِرْ»، «اهْجِرْ»، «ذُرْ»، «مَهِّلْ».
	ضمیر «تو، ست» در ۵، ۷، ۸، ۲۰ (۶ بار تکرار)	«كَ» در «عَلَيْكَ»، «لَكَ»، «رَبِّكَ» در ۷ و ۸ «رَبِّكَ»، «أَنْتَ»، «مَعَكَ» در ۲۰
«اللَّيْلَ»	ضمیر «آن» در ۳، ۴ و ۲۰ (پنج بار تکرار)	«هُ» در «نِصْفَهُ»، «مِنْهُ»، «عَلَيْهِ» در آیات ۳-۴ «هُ» در «نِصْفَهُ»، «ثَلَاثَهُ» در ۲۰
«رَبِّ»	ضمیر «او» در آیه ۸-۹ (دو بار تکرار) در آیه ۱۸ ضمیر نیامده بلکه به جای آن کلمه «خداوند» را آورده است. ضمیر «مرا» در آیه ۱۱	«هُ» در «إِلَيْهِ»، «اتَّخِذْهُ»، «وَعِدَّهُ» در آیات ۸-۹ و ۱۸ «ی» در «ذَرْنِي» در ۱۱
«الْمُكَلِّبِينَ»	فاعل فعل «می‌گویند» در ۱۰ ضمیر «آنان» در ۱۰ و ۱۱ (دو بار تکرار)	ضمیر غایب «واو» در «يَقُولُونَ»* در ۱۰ «هُم» در «اهْجِرْهُمْ»، «مَهِّلْهُمْ» در ۱۰-۱۱
امت پیامبر (ص)	ضمیر «تان، شما» در ۱۵ و ۲۰ (سه بار تکرار) ضمیر «خویش» در ۲۰ فاعل فعل‌های «پروا می‌توانید کنید»، «کافر شوید»، «بخوانید»، «نماز بر پا دارید»، «زکات بپردازید»، «وامی بدهید» (شش بار تکرار)	«كُمْ» در «إِلَيْكُمْ»، «عَلَيْكُمْ»، «مِنْكُمْ»، «أَنْفُسِكُمْ» در ۱۵ و ۲۰ ضمیر مخاطب «واو» در «تَتَّقُونَ» در ۱۷ ضمیر «واو» در فعل‌های امر «اقْرَأُوا»، «أَقِيمُوا»، «اتَّوُوا»، «اقْرِضُوا» در ۲۰ ضمیر مخاطب «تم» در «كَفَرْتُمْ» در ۱۷
«فِرْعَوْنَ»	ضمیر «او»	«هُ» در «أَخَذْنَاهُ» در ۱۶
«يَوْمًا»	ضمیر «آن»	«هُ» در «مَنْفَطْرِي بِهِ» در ۱۸
اسم شرط «مَنْ»	ضمیر «ش»	«هُ» در «رَبِّهِ» در ۱۹

مرجع ضمیر	ضمایر در ترجمه گرامرودی	ضمایر در سوره مزمل
«اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ»	ضمیر «آن»	«ه» در «تُحْصَوُه» در ۲۰
«الْقُرْآنَ»	ضمیر «آن»	«ه» در «فَاقْرَأُوا مَا تَبَيَّرَ مِنْهُ» در ۲۰
«آخِرُونَ» اوّل	فاعل «گام می‌زنند»	«واو» در «يَضْرِبُونَ» در ۲۰
«آخِرُونَ» دوم	فاعل «جنگ می‌کنند»	«واو» در «يُقَاتِلُونَ» در ۲۰
«مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ» (نفس خود عمل)	ضمیر «آن» [«هو» در عبارت «تجدوه عندالله هو خيراً» ترجمه نشده است]	«ه» در «تَجِدُوهُ» ضمیر بارز «هو» در ۲۰

مرجع	اسم موصول در ترجمه گرامرودی	اسم موصول
هر سخنی از جانب مکذبین	«آنچه»	«ما» در عبارت ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾

مرجع	اسم اشاره در ترجمه گرامرودی	اسم اشاره
ندا به پیامبر (ص)	«ای»	«يَا أَيُّهَا» در ۱
آیات ماقبل	«این»	«هَذِهِ» در ۱۹

شایان یادآوری است که مرجع ضمیر «هَم» و ضمیر «واو»، در آیه ۱۰، «الْمُكَذِّبِينَ» در آیه ۱۱ است؛ به عبارت دیگر، مرجع ضمیر از نوع پس مرجعی است؛ اما بقیه ارجاع‌ها همگی از نوع پیش مرجعی هستند. همان‌طور که در بالا مشاهده می‌شود به جز دو مورد تمامی ارجاعات در ترجمه رعایت شده است.

۴. ۱. ۲. جانشینی

هلیدی و حسن جانشینی را «قرار گرفتن یک عنصر زبانی به جای عنصر زبانی دیگر می‌دانند. از آنجایی که جانشینی یک رابطه دستوری است، انواع جانشینی نیز از نظر دستوری تعریف می‌شوند. از این رو، یک عنصر می‌تواند جانشین اسم، فعل و یا جمله باشد» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۹۰).

الف. اسم به جای اسم

«در این حالت از یک ترکیب اسمی به جای ترکیب دیگر اسمی با هدف ایجاد رابطه میان کلمات در متن استفاده می‌کند» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۹۱).
در ابتدای سوره، پیامبر (ص) را با لفظ ﴿يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ﴾ خطاب می‌دهد، اما در ادامه، در آیه ۱۵، ایشان را با الفاظ «رسول» و «شاهد» به مردم معرفی می‌کند. واژه «قولا ثقیلا» در آیه ۵ جایگزین واژه «القرآن» در آیه ۴ شده است.

ب. اسم به جای جمله

«برای برقراری انسجام و پیوند میان اعضا و حتی برای اختصار و کشاندن ذهن مخاطب به دنبال خود، یک اسم جایگزین یک عبارت یا جمله در متن می‌شود» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۹۱).
در آیه ۱۷ یکی از ویژگی‌های قیامت ﴿يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾ را بیان می‌کند و در آیه ۱۸، لفظ «وَعَدُهُ» جایگزین قیامت و تمامی ویژگی‌های آن شده است. در آیه ۱۹، اسم اشاره «هَذِهِ»، جانشین آیات ماقبل شده است. تمامی چهار مورد بالا در ترجمه گرامرودی هم رعایت شده است.

۴. ۱. ۳. حذف

هلیدی و حسن معتقدند: «حذف نوعی جانشینی است؛ چراکه حذف، جایگزینی با صفر است. در حذف، یک بند یا قسمتی از یک بند یا قسمتی از گروه فعلی یا اسمی را می‌توان پیش‌انگاشته و محذوف دانست؛ یعنی چیزی را در جایی که به لحاظ مفهوم بدان نیاز است، ذکر نمی‌کنیم. البته این ذکر نکردن دلالت بر نفهمیدن نیست؛ بلکه عنصر محذوف فهمیده می‌شود. حذف نیز مانند جانشینی، شامل سه نوع حذف اسمی، حذف فعلی و حذف جمله‌ای است؛ بنابراین عنصر محذوف می‌تواند اسم، فعل و یا جمله باشد» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۱۴۲-۱۴۳). جداول ۲ و ۳، حذف واژگان و عبارات را در سوره مزمل و ترجمه گرامرودی مقایسه نموده‌اند.

جدول ۲. عامل حذف در سوره مزمل

عبارت اصلی به همراه عبارت محذوف	عبارت استعمال شده
﴿هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَ [هِيَ] أَقْوَمُ قِيلًا﴾	﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾
﴿إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَ [إِنَّ لَدَيْنَا] جَحِيمًا وَ [إِنَّ لَدَيْنَا] طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَ [إِنَّ لَدَيْنَا] عَذَابًا أَلِيمًا﴾	﴿إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا﴾
﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ [تَرْجُفُ] الْجِبَالُ﴾	﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ﴾
﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا [فَكَيْفَ تَتَّقُونَ]﴾	﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾
﴿وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ [يُقَدِّرُ] النَّهَارَ﴾	﴿وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾

جدول ۱. عامل حذف در ترجمه گرامردی

عبارت اصلی به همراه عبارت محذوف	عبارت استعمال شده
بی گمان عبادت شبانه در پابرجایی، سخت تر و [عبادت شبانه] در گفتار، استوارتر است.	بی گمان عبادت شبانه در پابرجایی، سخت تر و در گفتار، استوارتر است.
ما نزد خود بندها [داریم] و دوزخی داریم و خوراکی گلوگیر [داریم] و عذابی دردناک.	ما نزد خود بندها و دوزخی داریم و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناک.
روزی که زمین [به لرزه درآیند] و کوهها به لرزه درآیند.	روزی که زمین و کوهها به لرزه درآیند.
خداوند شب [را اندازه می‌دارد] و روز را اندازه می‌دارد.	خداوند شب و روز را اندازه می‌دارد.

۴. ۲. انسجام واژگانی

واژه، به‌عنوان مهم‌ترین ابزار انتقال اندیشه و زبان نویسنده، نقش به‌سزایی در انسجام یک متن ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که نحوه کاربرد واژگان در یک متن، نوع متن و سبک صاحب اثر را آشکار می‌سازد؛ به این دلیل که معنا از طریق واژگان منتقل می‌شود؛ پس واژه‌ها به‌تنهایی دارای معنا نیستند. به‌طورکلی معنای یک واژه یا به‌صورت ساده یا به‌صورت مرکب با معانی واژه‌های دیگر در ارتباط است. این ارتباط معنایی میان واژگان یک متن، «انسجام واژگانی» نامیده می‌شود. هرچه این ارتباط قوی‌تر باشد و واژگان یک متن از لحاظ معنایی پربارتر باشد، متن منسجم‌تر می‌شود (عبّاسی و همکاران، ۱۳۹۵). هلیدی و حسن (۱۹۸۵) انواع روابط معنایی بین

واژگان یک متن را بدین صورت تقسیم‌بندی کرده‌اند: «عوامل عام»^۱ و «عوامل موردی»^۲ (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳).

۴. ۲. ۱. عوامل عام

رابطه‌های میان واژگان می‌تواند رابطه‌هایی ساده و همه‌گیر باشند که این روابط در خارج از متن هم برپا است. برای نمونه، اگر در دو واژه متضاد یکدیگر باشند، این دو واژه در خارج از متن نیز متضاد یکدیگرند. این عوامل عام یا رابطه میان واژگان که سبب انسجام متن در واحدهای واژگانی زبان شده را در چهار دسته تقسیم کرده‌اند: «تکرار»^۳، «هم‌معنایی»^۴، «تضاد»^۵، «شمول معنایی»^۶ و «جزء و کل»^۷ (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳).

۴. ۲. ۱. ۱. تکرار

تکرار یک واژه و جابه‌جایی آن در دو یا چند جمله و در ساختار یک متن، از جمله عواملی است که موجب انسجام یک متن و برجسته‌سازی زبان نویسنده می‌شود. در واقع عنصر تکرار مهم‌ترین ابزار برای جلب توجه خواننده به سوی کلمات است (عبّاسی و همکاران، ۱۳۹۵). خود عامل «تکرار» یکی از راه‌های پیام‌رسانی در قرآن کریم، محسوب می‌شود. جدای از اینکه کل قرآن در طی ۲۳ سال نازل شده و برای تربیت و هدایت مردم نیاز به بیان چندباره یک مطلب بوده، در خود یک سوره هم ما تکرار را مشاهده می‌کنیم (فارسیان و اسماعیلی، ۱۳۹۷).

در یک متن واژه‌های بسیاری وجود دارند که بیش از یک‌بار تکرار شده‌اند، اما آنچه باعث انسجام در متن می‌شود، تکرار واژه‌های مهم آن است. بسیاری از «واژه‌های دستوری» نظیر حروف اضافه و حروف ربط ممکن است در متن زیاد مورد

1. general
2. instancial
3. repetition
4. synonymy
5. antonymy
6. hyponymy
7. meronymy

استفاده قرار گرفته باشند اگرچه این واژه‌ها نیز در انسجام متن مؤثرند؛ اما در نقش مورد نظر بر این واژه‌ها تأکید نمی‌شود، بلکه تنها واژه‌هایی که به «واژه‌های متنی» معروف‌اند، در متن دارای نقش انسجامی هستند. این واژه‌ها را به دو طریق می‌توان تشخیص داد: نخست آنکه اگر بخواهیم خلاصه‌ای از متن را ارائه دهیم، احتمالاً از این واژه‌ها استفاده می‌کنیم؛ دوم آنکه اگر این واژه‌ها تکرار نشوند، وحدت و انسجام متن به هم می‌خورد (نیازی و قاسمی، ۱۳۹۷ الف). این تکرار هم می‌تواند به صورت مستقیم یا به عبارت دیگر «عینی» صورت بگیرد بدین صورت که خود کلمه عیناً تکرار بشود و هم می‌تواند به صورت غیر مستقیم باشد؛ برای مثال استفاده از ضمائر خود که به کلمات ماقبل خود برمی‌گردند. البته مورد دوم می‌تواند جزو عامل ارجاع نیز محسوب بشود. عامل تکرار در سوره مزمل و ترجمه گرامرودی در جدول ۴ مقایسه شده‌اند.

جدول ۴. عامل تکرار تام در سوره مزمل

عامل تکرار در ترجمه گرامرودی			عامل تکرار در سوره مزمل		
تعداد ارجاع با ضمیر	تعداد تکرار	کلمه تکرار شده	تعداد ارجاع با ضمیر	تعداد تکرار	کلمه تکرار شده
۶	۴	شب	۶	۴	لَیْلٍ
	۳	اندکی		۳	قَلِیلٍ
	۲	نیمی		۲	نِصْفٍ
۱	۲	قرآن	۱	۲	قُرْآنٍ
۲	۴	روز	۱	۲	نَهَارٍ
	۳	پیامبر	۱	۲	یَوْمٍ
				۳	رَسُولٍ
				۲	أَرْسَلْنَا
	۲	کوه‌ها		۲	جِبَالٍ
۱	۲	فرعون	۱	۲	فِرْعَوْنَ
	۲	راهی		۲	سَبِيلٍ
	۲	زمین		۲	أَرْضٍ
	۱	بہتر		۲	خَیْرٍ

عامل تکرار در ترجمه گرامرودی			عامل تکرار در سوره مزمل		
تعداد ارجاع با ضمیر	تعداد تکرار	کلمه تکرار شده	تعداد ارجاع با ضمیر	تعداد تکرار	کلمه تکرار شده
	۲	آنچه میسر است بخوانید از		۲	فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْ
۲	۴	پروردگار	۳	۳	رَبِّ
	۹	خدا	۱	۸	اللَّهِ
	۲	نام		۲	اسْمِ

۴. ۲. ۱. ۲. هم‌معنایی

«کلمات مترادفی هستند که باعث ایجاد انسجام واژگانی می‌شوند. در هم‌معنایی، معنای تجربی دو صورت واژگانی، یکسان است؛ اما این بدان معنا نیست که هم‌پوشانی کامل معنایی وجود دارد، بلکه بدین معناست که آنها دارای معنای یکسان هستند» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳، صص. ۱۹۱-۱۹۲). در ادامه، مقایسه کلمات هم‌معنا در سوره مزمل و ترجمه گرامرودی آورده شده است (جدول ۵).

جدول ۵. عامل هم‌معنایی در سوره مزمل و ترجمه گرامرودی

عامل هم‌معنایی در ترجمه گرامرودی	عامل هم‌معنایی در سوره مزمل
«سخت‌تر» و «استوارتر» در ۶ و «سنگین» در ۵ و «سخت» در ۱۶	«أَشَدُّ» و «أَقْوَمُ» در ۶ و «ثَقِيلٌ» در ۵ و «وَبِئَلٍ» در ۱۶
«دوری گزین» در ۱۰ و «وا بگذار» در ۱۱	«أَهْجُرُ» در ۱۰ و «ذَرُّ» در ۱۱
«شکیبا باش» در ۱۰ و «مهلت بخش» در ۱۱	«أَصْبِرُ» در ۱۰ و «مَهْلٌ» در ۱۱
«خواهید یافت» و «می‌جویند» در ۲۰	«يَبْتَغُونَ» و «تَجِدُوا» در ۲۰
«به لرزه در آیند» در ۱۴ و «می‌شکافد»	«تَرْجُفُ» در ۱۴ و «مُنْفَطِرٌ بِهِ» در ۱۸
«سخنی» در ۵ و «گفتار» در ۶ و «می‌گویند» در ۱۰	«قَوْلٌ» در ۵ و «قِيلَ» در ۶ و «يَقُولُونَ» در ۱۰
«بپا خیز» در ۲ و «بر پا دارید» در ۲۰	«قُمْ» در ۲ و «تَقُومُ» در ۲۰ و «أَقِيمُوا» در ۲۰
«آرام و روشن بخوان» در ۴ و «بخوانید» در ۲۰	«رَتِّلْ» و «تَرْتِّلْ» در ۴ و «اقْرءوا» در ۲۰
	«تَبَتَّلٌ» و «تَبَتَّلٌ» در ۸
	«أَهْجُرُ» و «هَجْرٌ» در ۱۰
«گزین» در ۹ و «گرفتنی» و «فروگرفتم» در ۱۶	«اتَّخِذْ» در ۹ و «أَخَذْنَا» و «أَخِذْ» در ۱۶
«از پیش فرستید» در ۲۰ و «فرستادیم» در ۱۵	«أَرْسَلْنَا» و «رَسُولٌ» در ۱۵
	«كَانَ» در ۱۸ و «سَبَّحُونَ» در ۲۰

عامل هم‌معنایی در ترجمه گرامرودی	عامل هم‌معنایی در سوره مزمل
«معلوم داشت» و «می‌داند» در ۲۰	«يَعْلَمُ» و «عَلِمَ» در ۲۰
	«أَقْرَضُوا» و «قَرَضَ» در ۲۰
«آمزش بخواید» و «آمزنده» در ۲۰	«اسْتَغْفِرُوا» و «عَفُوْر» در ۲۰
«گلوگیر» و «دردناک» در ۱۳	«ذَا غَصَّةٍ» و «أَلِيمٍ» در ۱۳

برای نمونه دو کلمه «تَرْجُفُ» و «مُنْفَطِرٌ» در آیات: ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ﴾ و ﴿السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ﴾؛ اگرچه این دو واژه از نظر لغوی هم‌معنا نیستند، اما هر دو بیان‌کننده شکاف و لرزه‌ای در زمین و آسمان در روز قیامت هستند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مواردی که فعل به همراه مفعول مطلق آن به کار رفته، در ترجمه به فارسی این موارد به گونه‌ای آمده است که نمی‌توان آنها را در گروه کلمات هم‌معنا گنجانید.

۴. ۲. ۱. ۳. تضاد

«منظور واژه‌ها یا واحدهای واژگانی است که معنای تجربی آنها با یکدیگر متضاد است» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۲). تضادها در سوره مزمل عبارت‌اند از: «انْقَصُ» در آیه ۳ و «زِدْ» در آیه ۴؛ «اللَّيْلَ» در آیه ۲ و «النَّهَارَ» در آیه ۷؛ ﴿وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾ در آیه ۶ و ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾ در آیه ۱۰؛ «الْمَشْرِقِ» و «الْمَغْرِبِ» در آیه ۹؛ «الْوِلْدَانَ» و «شَيْبٍ» در آیه ۱۷.

کلمات متضاد در ترجمه

«کم کن» در ۳ و «بیفزای» در ۴؛ «شب» در ۲ و «روز» در ۷؛ «در گفتار استوارتر است [منظور قرآن است]» و «آنچه می‌گویند [سخن کافران]» در ۱۰؛ «خاور» و «باختر» در ۹؛ «کودکان» و «پیر» در ۱۷؛ «بگسل» و «بیوند» در ۸؛ «فروگرفتیم» در ۱۶ و «[وام] بدهید» در ۲۰.

۴. ۲. ۱. ۴. شمول معنایی

عبارت از رابطه‌ای است که بین یک طبقه عام^۱ و طبقه‌های زیرمجموعه آن برقرار است. عناصری که به طبقه عام اشاره دارند، «فراگیر^۲» نامیده شده و عناصری که به طبقه‌های زیرمجموعه آن اشاره می‌کنند به «شمول معنایی» شهرت دارند. به طور مثال واژه «animal» به عنوان یک طبقه عام، شامل زیرمجموعه‌هایی مثل «cat, dog, bear» و ... است. البته گاهی اوقات رابطه بین دو کلمه، ممکن است هم در دایره شمول معنایی محسوب شود و هم در تضاد؛ برای مثال رابطه بین «cat» و «dog» چنین ارتباطی را می‌توان نوعی تضاد هم به حساب آورد. تمییز این دو کار آسانی نیست، هرچند این نکته برای مقصود پژوهش حاضر - که همان انسجام است - چندان حائز اهمیت نیست، چراکه چه رابطه این دو از نوع تضاد باشد و چه از نوع شمول معنایی، این ارتباط در هر دو حالت، به انسجام ختم خواهد می‌شود (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳).

در سوره مزمل

«عَذَاب» در آیه ۱۳ کلمات «أَنْكَالاً»، «جَحِيمٍ» و «طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ» را در عبارات قبل از خود [«إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا»] در برمی‌گیرد. این واحد معنایی [عَذَاب]، ضمن ارتباط با حوادث اصلی متن، توانسته است نهایت عذاب الهی را در تکرار واژگان که همگی دلالت بر عذاب دارند، بیان کند.

در آیه ۲۰، دو فعل «يُقَدِّرُ» و «تُحْصُوهُ» با این‌که فاعل متفاوتی دارند، اما در دایره شمول معنایی قرار می‌گیرند. البته معنی فعل «يُقَدِّرُ» از معنی فعل «تُحْصُوهُ» کامل‌تر است؛ چراکه «اندازه گرفتن» و «شمردن» را هم در بردارد.

در ترجمه سوره مزمل

واژه «عَذَاب» در آیه ۱۳ کلمات «دوزخ» و «بند» و «خوراکی گلوگیر» را در برمی‌گیرد.

1. general class
2. superordinate

«شمار کرد» و «اندازه می دارد» در آیه ۲۰.

۴. ۲. ۱. ۵. جزء و کل

این اصطلاح به بین رابطه قسمتی از یک چیز کلی با آن کل مورد نظر، اشاره می‌کند. مثل رابطه *tree*، *limb* و *root* که در آن *limb* و *root* هم رابطه جزء و کل دارند و هم نام قسمت‌هایی از عضو فراگیر *tree* نیز محسوب می‌شوند (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳).

علامه در ذیل این آیه گفته است: «از آنجایی که تلاوت آیات قرآن، جزئی از نماز خواندن محسوب می‌شود واژه «قرآن» در این سوره هم می‌تواند دلالت بر نماز شب داشته باشد و هم می‌تواند بر آیاتی از قرآن اشاره کند که در طی نماز خوانده می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج. ۲۰، ص. ۶۱).

در ترجمه سوره مزمل

«قرآن خواندن» در کل سوره با معنای نماز خواندن.

۴. ۲. ۲. عوامل موردی یا نمونه‌ای

عواملی همچون «برابری»^۱، «نام‌گذاری»^۲ و «تشابه»^۳ در این مجموعه قرار می‌گیرند. برای این سه مورد نمی‌توان به مثالی خارج از متن اشاره کرد چون حسن (۱۹۸۴) این نوع از عوامل انسجام واژگانی را «محدود به متن» می‌داند و فقط در یک متن خاص سبب ایجاد انسجام می‌شوند. وی بر این عقیده است که این نوع عامل، محصول و مخصوص همان متن است و در سیستم زبانی توسعه نمی‌یابد (نیازی و قاسمی، ۱۳۹۷ الف).

1. equivalence

2. naming

3. semblance

۴. ۲. ۲. ۱. تشابه

«منظور از تشابه، ذکر معناهای مشابه هم است» (نیازی و قاسمی، ۱۳۹۷، ب، ص. ۱۱۳). «تشابه یا «شبهات موردی»^۱ عاملی است که مخصوص یک متن خاص است» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۴)؛ بدین معنی که اگر این رابطه میان دو کلمه در یک متن برقرار باشد، نسبت و رابطه میان این دو کلمه قابل تعمیم در خارج از متن نیست. این مورد در این سوره و ترجمه آن یافت نشد.

۴. ۲. ۲. ۲. نام‌گذاری

«نام‌گذاری به ذکر اسامی مختلف برای یک معنا اشاره دارد» (نیازی و قاسمی، ۱۳۹۷، ب، ص. ۱۱۳).

«يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ» نامی دیگر برای پیامبر (ص) است. پیامبر (ص) را با این لفظ خطاب قرار دادند.

در آیه ۱۱ در عبارت ﴿وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ﴾، ذکر «اولی النعمه» نام‌گذاری دیگری برای «المُكَذِّبِينَ» است. در ترجمه، این دو مورد عیناً تکرار می‌شود. «ای جامه بر خویش پیچیده» که پیامبر (ص) را با این لفظ خطاب قرار داده است. «دروغ‌انگاران» و «شادخوار» در آیه ۱۱.

۴. ۲. ۲. ۳. برابری

«برابری زمانی اتفاق می‌افتد که دو عنصر معنایی به‌طور کامل مطابق هم باشند و نتوان به خارج متن تعمیم داد» (نیازی و قاسمی، ۱۳۹۷، ب، ص. ۱۱۳).

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا﴾ ﴿۱۵﴾ رسول دوم برابر است با حضرت موسی (ع).

﴿فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِئْسَ﴾ ﴿۱۶﴾ همچنین رسول در این آیه برابر است با حضرت موسی (ع).

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَءُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ﴿٢٠﴾

در این آیه، ضمیر «کم» برابر است با پیامبر (ص) و طایفه همراه ایشان؛ و «آخرون» هر کدام برابرند با بخشی از آن طایفه همراه پیامبر (ص).

در ترجمه

منظور از پیامبر (ص) در جملات ذیل موسی (ع) است: «به سوی فرعون پیامبری فرستادیم»؛ «فرعون با آن پیامبر (ص) نافرمانی کرد».

«تو و دسته همراه تو» و آن سه گروه با هم برابری دارند: «تو و دسته‌ای از کسانی که با تو می‌تواند ... او معلوم داشت که برخی از شما بیمار خواهند بود و برخی دیگر در زمین، گام می‌زنند و (روزی خود را) از بخشش خداوند می‌جویند و گروهی دیگر در راه خداوند جنگ می‌کنند».

۵. بحث و نتیجه‌گیری

قرآن کریم معجزه جاودانه‌ای است که از طرف خداوند حکیم برای سعادت بشر نازل شده است. در قرآن کریم عوامل انسجام و زیبایی‌شناسی به‌گونه‌ای چینش شده که با توجه به حکمت خداوند متعال قطعاً بدون هدف و قصد عقلایی نبوده است. در مقاله حاضر ضمن بررسی انسجام متنی سوره مزمل و ترجمه فارسی آن بر مبنای یکی از الگوهای ارزیابی ترجمه - نظریه هلیدی و حسن - نتایج ذیل حاصل شده است:

بر اساس نظریه هلیدی و حسن، نمونه‌های انسجام در متن سوره مزمل به ۱۵۲ مورد می‌رسد که این تعداد، رقم قابل ملاحظه‌ای به حساب می‌آید. همچنین در

بررسی ترجمه این سوره، ۱۴۳ مورد از نمونه‌های انسجام در متن استخراج شده است؛

با توجه به موارد استخراج شده در مورد اول، حدود ۹۴ درصد مشابهت در مؤلفه‌های انسجامی در متن سوره و ترجمه وجود دارد و در انسجام متن سوره مزمل و انسجام موجود در ترجمه موسوی گرمارودی تفاوت زیادی یافت نمی‌شود که این درصد بالای مشابهت خود تأکیدی بر اصل امانت‌داری و دقت بالای مترجم است؛

عامل انسجامی «تکرار» و «ارجاع» در متن این سوره و ترجمه آن، نسبت به سایر عوامل انسجامی، در جایگاه نخست قرار می‌گیرد. البته با در نظر گرفتن این مهم که خداوند تعالی هدایت و تعالیم الهی را به واسطه تکرار موضوعات و بیان آنها در جایگاه‌های مختلف کتاب خود به مخاطب عرضه می‌دارد، بسامد بالای عنصر «تکرار» در قرآن امری بدیهی است. به علاوه، در بررسی‌های انجام شده، عنصر تکرار در درون خود عنصر ارجاع - ارجاع با ضمیر - را در بر می‌گیرد؛ و واضح است که ارجاع با ضمیر یکی از انواع تکرار اسم مرجع است؛

نتایج حاکی از آن است که در متن سوره و ترجمه، «انسجام واژگانی» نسبت به «انسجام دستوری» از بسامد بالاتری برخوردار است؛ هرچند که رابطه انسجام دستوری و واژگانی، دوطرفه بوده و یکدیگر را حمایت می‌کنند و به عبارت دیگر، هرکدام برای ظهور خود به دیگری نیازمندند.

از نتایج بالا می‌توان بدین نتیجه دست یافت که: متن ترجمه‌شده از موسوی گرمارودی تا حدودی از انسجام معادل متن خود سوره برخوردار است و تا حدودی می‌توان به موفقیت‌آمیز بودن فرآیند ترجمه توسط مترجم در چارچوب نظریه انسجام هلیدی و حسن اشاره نمود. همچنین به نظر می‌رسد اگر سوره مورد نظر، در دیگر نظریه‌ها و الگوهای زبان‌شناسی، مورد نقد و بررسی قرار گیرد، هم می‌توان نتایج به دست آمده در خصوص انسجام این سوره را با دیگر الگوها مقایسه نمود و هم می‌توان میزان نزدیک بودن انسجام ترجمه آن و نزدیکی‌اش به متن مبدأ را بررسی نمود. در طی این پژوهش‌ها هم جامع‌ترین نظریه زبان‌شناسی در بررسی انسجام و

پیوستگی این سوره یافت می‌شود و هم ترجمه موسوی گرمارودی از زوایای مختلف بررسی می‌گردد؛ اگرچه تمامی مترجمان قرآن درصدد وفاداری کامل به متن وحیانی قرآن کریم و پرهیز از استنباط شخصی خود هستند، اما باید دید در عمل نتیجه چه خواهد بود.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- امرای، م.، و رضایی هفتادر، غ.، و زند و کیلی، م. (۱۳۹۶). ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل بر اساس نظریه هلیدی و حسن. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۶ (۷)، ۱۱۹-۱۴۸.
- اورکی، غ.، و ویسی، خ. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی عناصر انسجام متنی در سوره مبارکه ناس و ترجمه فارسی آن بر پایه نظریه انسجام متن هلیدی و حسن، علوم قرآن و تفسیر، ۱ (۲)، ۱۲۹-۱۴۶.
- ایشانی، ط.، و نعمتی قزوینی، م. (۱۳۹۲). بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا. *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ۹ (۲۷)، ۶۵-۹۵.
- خامه‌گر، م. (۱۳۹۷). نقد و بررسی نظریه بسط متن در تحلیل انسجام متنی سوره‌های قرآن بر اساس دیدگاه حسین عبدالرئوف. *مطالعات متون اسلامی*، ۲ (۳)، ۱۱۹-۱۳۶.
- خجندی، ع. (۱۳۸۵). ترجمه قرآن استاد گرمارودی در یک نگاه. *بینات*، ۴۹ و ۵۰، ۴۲۲-۴۲۵.
- زند و کیلی، م.، و امرایی، م. (۱۳۹۶). ارزیابی مقایسه‌ای ابزارهای انسجام در سوره طارق و ترجمه آن از محمد مهدی فولادوند: از دیدگاه نظریه هلیدی و حسن. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۴ (۷)، ۳۶-۱.
- شاهپری، ع.، و مهدوی‌نیا، م.، و سماواتی، ع. (۱۳۹۶). بررسی نقش عوامل انسجامی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن (بر اساس الگوی هلیدی و حسن). *سراج منیر*، ۲۷ (۸)، ۷-۴۲.
- طباطبایی، م. (۱۴۱۷ ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عباسی، م.، و اویسی کهنخا، ع.، و ثواب، ف. (۱۳۹۵). انسجام واژگانی در متن سوررنالیستی بوف کور بر پایه نظریه هلیدی و حسن. *جستارهای زبانی*، ۶ (۳۴)، ۲۸۳-۳۰۸.

فارسیان، م. و اسماعیلی، ن. (۱۳۹۷). واکاوی تکرار عبارت بسم الله الرحمن الرحیم و ارزیابی برگردان فرانسوی آن. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۱(۱)، ۶۴-۴۷.

مختاری، ق. و خدابخش نژاد، م. (۱۳۹۷). تحلیل زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم بر پایه عنصر انسجام و پیوستگی بررسی نمونه‌ای سوره‌های جزء سی‌ام. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۱۳(۱)، ۱۰۷-۱۲۶.

موسوی گرمارودی، ع. (۱۳۸۴). *ترجمه قرآن کریم*. تهران: انتشارات قدیانی.

میراحمدی، ر. و آقاجانی، م. (۱۳۹۶). عناصر برجسته انسجام در بائیه متنبی بر اساس نظریه هلیدی، *زبان و ادبیات عربی*، ۱۷، ۲۳۳-۲۶۵.

نعمتی قزوینی، م. و ایشانی، ط. (۱۳۹۴). مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده. *پژوهش‌های قرآنی*، ۱(۲۰)، ۱۲۰-۱۴۵.

نیازی، ش.، هاشمی، ا. (۱۳۹۸). بررسی چگونگی کارآمدی مؤلفه «شفاف‌سازی» الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن: مورد پژوهی ترجمه رضائی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۲(۴)، ۱۶۱-۱۹۳.

نیازی، ش.، و قاسمی، ز. (۱۳۹۷). *الف*. *الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نیازی، ش.، و قاسمی، ز. (۱۳۹۷). *ب*. *تحلیل زبان‌شناختی متون عربی (با تکیه بر دستور نقش‌گرای هلیدی)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

هلیدی، م.، و حسن، ر. (۱۳۹۳). *زبان، یافت و متن: جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی-نشانه‌شناسی*. ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، تهران: انتشارات علمی.

Halliday, M., Hassan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.

Hameed, H. T. (2008). Cohesion in Texts: A Discourse Analysis of a New Article in a Magazine. *Al-Fatih Journal*. 4(37) 81-114.

بی نوشت

متن سوره مزمل:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ ﴿١﴾ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾ نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿٣﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ
 تَرْتِيلًا ﴿٤﴾ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ﴿٥﴾ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا ﴿٦﴾ إِنَّ لَكَ
 فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ﴿٧﴾ وَاذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ﴿٨﴾ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ
 إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ
 أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾
 يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَّهِيلًا ﴿١٤﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ
 كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ﴿١٦﴾ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ
 إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ
 فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿١٩﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلْثَهُ
 وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ
 مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ
 يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
 وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
 رَحِيمٌ ﴿٢٠﴾

متن ترجمه سوره مزمل:

به نام خداوند بخشنده بخشاینده

ای جامه بر خویش بپچیده. ﴿١﴾ شب را -جز اندکی- بپای خیز. ﴿٢﴾ نیمی از آن را
 یا اندکی از آن (نیمه) را کم کن! ﴿٣﴾ یا (اندکی) بر آن بیفزای و قرآن را آرام و
 روشن بخوان. ﴿٤﴾ ما سخنی سنگین را به زودی بر تو فرو می فرستیم. ﴿٥﴾ بی گمان

عبادت شبانه در پابرجایی، سخت‌تر و در گفتار، استوارتر است. ﴿۶﴾ تو را در روز، کوششی دراز دامن است. ﴿۷﴾ و نام پروردگارت را یاد کن و از همه بگسل و بدو پیوندد. ﴿۸﴾ پروردگار خاور و باختر که هیچ خدایی جز او نیست پس او را کارساز خویش گزین. ﴿۹﴾ و بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و از آنان به نکویی دوری گزین. ﴿۱۰﴾ و مرا با این دروغ انگاران شاد خوار و بگذار و به آنان اندکی مهلت بخش. ﴿۱۱﴾ ما نزد خود بندها و دوزخی داریم، ﴿۱۲﴾ و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناک، ﴿۱۳﴾ روزی که زمین و کوه‌ها به لرزه درآیند و کوه‌ها توده‌ای از ریگ روان باشند. ﴿۱۴﴾ ما به سویتان پیامبری که گواه بر شماست فرستاده‌ایم چنان که به سوی فرعون پیامبری فرستادیم. ﴿۱۵﴾ آنگاه فرعون با آن پیامبر، نافرمانی کرد و او را با گرفتن سخت، فرو گرفتیم. ﴿۱۶﴾ اگر کافر شوید چگونه از روزی که کودکان را پیر می‌کند، پروا می‌توانید کرد؟ ﴿۱۷﴾ آسمان از (سختی) آن می‌شکافد، که وعده خداوند انجام یافتنی است. ﴿۱۸﴾ بی‌گمان این یک پند است و هر که خواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد. ﴿۱۹﴾ بی‌گمان پروردگارت می‌داند که تو و دسته‌ای از کسانی که با تو نزدیک به دو سوم شب و نیمه آن و یک سوم آن برمی‌خیزید و خداوند شب و روز را اندازه می‌دارد، او معلوم داشت که شما هرگز آن را نمی‌توانید شمار کرد پس از شما در گذشت اکنون آنچه میسر است از قرآن بخوانید! او معلوم داشت که برخی از شما بیمار خواهند بود و برخی دیگر در زمین، گام می‌زنند و (روزی خود را) از بخشش خداوند می‌جویند و گروهی دیگر در راه خداوند جنگ می‌کنند بنابراین آنچه میسر است از آن (قرآن) بخوانید و نماز را بر پا دارید و زکات پردازید و به خداوند وامی نیکو بدهید و هر نیکی که برای خویش از پیش فرستید پاداش آن را نزد خداوند بهتر و با پاداشی سترگ‌تر خواهید یافت و از خداوند آمرزش بخواهید که خداوند آمرزنده‌ای بخشاینده است. ﴿۲۰﴾ (گرمارودی، ۱۳۸۴، ص. ۵۷۴-۵۷۵)

درباره نویسندگان

عزت‌ملا براهیمی استاد گروه زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران است. حوزه‌های پژوهشی ایشان ادبیات مقاومت و مباحث زبان‌شناسی است.
 زهرا رضائی دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد در دو رشته «زبان و ادبیات عرب» از دانشگاه تهران و «علوم قرآن و حدیث» از دانشگاه شاهد است. حوزه‌های پژوهشی ایشان مباحث زبان‌شناسی و مطالعات حدیثی است.